

## شاهزادگان مدعی!

این نوشتار با هدف طرح و بررسی یکی از مشکلات ساختاری دولت قاجار و عوامل موثر در پیدایش و تداوم و منطق حاکم بر آن و تحلیل تبعات و نتایج آن با تکیه بر منابع درجه اول، اصیل و گزارش‌ها و اسناد و نامه‌های سیاسی موثق با نقد پاره‌ای از نوشته‌ها به رشته تحریر کشیده شده است .

یکی از نخستین مشکلات و دشواری‌هایی که دولت قاجار از همان آغاز با آن مواجه شد و به نوعی به ساختار سیاسی دولت قاجار برمی‌گشت، مساله ولیعهدی و جانشینی شاه بود و این مساله دست‌کم تا پایان دوره ناصری، یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های دولت قاجار به شمار می‌رفت. مساله اساسی که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، کیفیت امر ولیعهدی و جانشینی شاهان قاجار و به‌ویژه فتحعلی‌شاه قاجار است.



از آنجا که قانون ثابت و روشنی در این زمینه تعریف نشده بود، با وجود وصیت سیاسی موسس سلسله قاجار - که ما از آن به عنوان دکترین سیاسی در این مقاله یاد کرده ایم - که به شکلی خیال پردازانه آینده سلطنت در قاجارها را طراحی کرده بود و در این راه هم رفع اختلاف بین دو طایفه قوآنلو و دولو را مدنظر داشت و نیز در اندیشه استمرار سلطت و پادشاهی در بین قوآنلوها بوده اعتراضها و نارضایتیهای جدی به وجود آمد که تبعاتی خطرناک برای دولت قاجار به دنبال آورد. سوال اصلی و عمده این پژوهش در راستای مساله اساسی تحقیق بر محور انگیزهها و دلایل و عوامل موثر در پدیده جانشینی شاهان قاجار و تبعات و نتایج آن استوار است. دولت قاجار دکترین سیاسی آقامحمدخان و نیز سنن ایلی قاجار را به عنوان یک قاعده در انتخاب ولیعهد و جانشین شاه در نظر داشت، اما عواملی، چون دخالت خارجی، شاهزادگان

و تعدد آنها، دیوان سالاران و امرای نظامی و حتی زنان حرم شاه نیز در این امر دخالت کرده و نقش موثری ایفا کردند. مساله جانشینی و ولیعهدی در سه مقطع خود را به عنوان یک دشواری و مشکل در ساختار سیاسی قاجار نشان داد. در انتخاب عباس میرزا، مرگ عباس میرزا و انتخاب محمد میرزا به عنوان ولیعهد و در نهایت، در مرگ فتحعلی شاه و به قدرت رسیدن محمد شاه قاجار به ویژه در فقره آخر، ایران به جنگ داخلی که خطر جدی برای سلطنت قاجارها و نیز تمامیت ارضی ایران بود، کشیده شد.

این نوشتار با هدف طرح و بررسی یکی از مشکلات ساختاری دولت قاجار و عوامل موثر در پیدایش و تداوم و منطق حاکم بر آن و تحلیل تبعات و نتایج آن با تکیه بر منابع درجه اول، اصیل و گزارشها و اسناد و نامه‌های سیاسی موثق با نقد پاره‌ای از نوشته‌ها به رشته تحریر کشیده شده است.

## شاهزادگان قاجار و ساختار سیاسی دولت

شاهزادگان قاجار که جمعیت کثیری را شکل می‌دادند از قشرهای مسلط و صاحب قدرت و اعتبار در ساختار دولت قاجار به شمار می‌رفتند. فتحعلی شاه قاجار زنان فراوانی داشت که به نوشته سپهر: «اگر کسی شمار کند با ۱۰۰۰ تن راست آید.» خاوری، مورخ دستگاه فتحعلی شاه نیز شمار زنان او را خارج از حوصله تحقیق می‌داند. فتحعلی شاه ۳۶۰ پسر و دختر داشت که ۱۵۹ تن از آنها در حیات او مردند. هنگام مرگ نیز ۵۷ پسر و ۴۶ دختر از او در قید حیات بودند که با فرزندان این شاهزادگان، فتحعلی شاه به هنگام مرگ بیش از ۷۸۰ فرزند و نواده داشت. سپهر در سال ۱۲۷۱ق که ۲۱ سال از مرگ فتحعلی شاه گذشته بود، احتمال می‌دهد که اگر فرزند و فرزندزادگان شاه شمارش شوند بالغ بر ۱۰ هزار نفر شوند که - بر کثرت فرزندان و فرزندزادگان او که در تاریخ جهان بی نظیر بوده است - خاوری و از منابع خارجی کوزن اشاره کرده‌اند.

کثرت این شاهزادگان خود مشکلات فراوانی ایجاد می‌کرد؛ حکومت اکثر ایالات و ولایات ایران در دست شاهزادگان قاجار بود. فرزندان بزرگ فتحعلی شاه و نیز فرزندان عباس میرزا موقعیت برجسته‌ای در میان شاهزادگان داشتند. پسران ارشد فتحعلی شاه بر پنج ایالت بزرگ

حکومت داشتند. عباس میرزا در آذربایجان، محمدعلی میرزا در کرمانشاه، حسینعلی میرزا در فارس، محمدعلی میرزا در خراسان، محمدقلی میرزا در مازندران و شاهزادگان دیگر نیز اداره ایالات و ولایات دیگر را در اختیار داشتند؛ حتی برخی شاهزادگان کم سن و سال نیز به حکومت ولایات گمارده می شدند و البته در این مورد وزرایی نیز با آنها همراه می شدند که تشکیلات دیوانی ولایات را به نام شاهزادگان اداره کنند. این وزرا علاوه بر این، وظیفه نظارت بر اعمال شاهزادگان از سوی حکومت مرکزی را نیز بر عهده داشتند.

موقعیت یک شاهزاده قاجاریه به ماهیت روابط او با شاه، سمت پدرش، پیشینه خانوادگی مادرش و دستاوردهای شخصی خودش بستگی داشت. البته، تعداد زیاد شاهزادگان مانع از این بود که تعداد ولایات و ایالات با تعداد آنها برابر آید. به همین دلیل، بسیاری از آنان در دربار جمع بودند یا مشاغل پست داشتند یا در انزوا و فقر زندگی می کردند. به هر جهت، شاهزادگان قاجاری را در ساختار سیاسی و اداری قاجار می توان طبقه خاصی دانست که در سلسله مراتب قدرت در پایگاه بالایی قرار داشتند و در ساختار سیاسی و اداری موثر بودند. البته در بین شاهزادگان عباس میرزا و فرزندان او جایگاه برجسته ای داشته اند که خود مشکلاتی را به دنبال داشت.

## ولیعهدی عباس میرزا و نخستین نارضایتی ها

مساله جانشینی و ولیعهدی پادشاه قاجار، از همان سال های نخست دشواری بزرگی برای دولت قاجار ایجاد کرد. انتخاب باباخان (فتحعلی شاه آینده) به جانشینی آقامحمدخان به جای برادران بنیان گذار سلسله قاجار، نارضایتی برادران آقامحمد خان را به دنبال داشت و همین مساله چندی فتحعلی شاه را در نخستین روزهای سلطنت با چالش های جدی روبه رو ساخت. اما مساله ای که فتحعلی شاه را برای سالیان طولانی نگران کرد و دولت او را با مشکلات و بحران هایی در آینده مواجه ساخت، انتخاب عباس میرزا به ولیعهدی بود.

عباس میرزا فرزند چهارم فتحعلی شاه به شمار می رفت. محمدعلی میرزا، محمدقلی میرزا و محمدولی میرزا، از عباس میرزا بزرگ تر بودند. آقامحمدخان بلافاصله بعد از تولد عباس میرزا او را منصب نایب السلطنه و ولیعهدی داد. انتخاب عباس میرزا به جانشینی باباخان از سوی موسس سلسله قاجار براساس هدفی صورت گرفت که آقا محمد خان برای آینده قاجارها ترسیم

کرده بود. سه برادر بزرگ‌تر به سختی می‌توانستند برتری عباس میرزا را بپذیرند، اما در دوره حیات آقامحمد خان و سال‌های نخست سلطنت فتحعلی‌شاه هیچ اعتراضی دیده نشد. تعیین عباس میرزا به ولیعهدی و جانشینی باباخان به سیاست و دکتترین سیاسی آقا محمد خان قاجار برمی‌گشت که در کل دوره قاجار به جز برهه کوتاهی نقش موثری در تعیین ولیعهد و جانشینی در ساختار سیاسی قاجارها ایفا کرد.

دکتترین سیاسی آقا محمد خان چند جهت عمده را دنبال می‌کرد. از طرفی او به خوبی از اختلافات و ستیزه‌های درون‌ایلی قاجارها، به‌ویژه دو طایفه اشاقه‌باش و یوخاری باش یا قوانلو و دولو آگاه بود، چنان‌که همین اختلافات سلطنت‌یابی قاجارها را با تاخیری ۳۰ ساله مواجه ساخته بود و نیز به خوبی می‌دانست که اختلاف بین این دو طایفه قدرتمند قاجار سلطنت قوانلو را با مشکل و معضل اساسی مواجه خواهد ساخت. از سویی دیگر آقامحمدخان نمی‌خواست یا نمی‌توانست طایفه رقیب را به کلی از مشارکت در قدرت دور سازد.

او با اتخاذ سیاستی، دنبال آن بود که با دادن سهم به دولوها، در ساختار قدرت به‌تدریج با برنامه‌ای که خیال‌پردازانه طراحی کرده بود، آنان را در قدرت و پادشاهی طایفه قوانلو هضم سازد. به این ترتیب، هم از اختلافات درون‌ایلی قاجارها مانع آید و هم سلطنت را در قوانلوه‌ها تداوم بخشد، بدون اینکه خطر از ناحیه دولوها سلطنت آنان را تهدید کند. وصیت سیاسی آقا محمد خان قاجار این بود که باباخان باید با دختر فتحعلی خان دولوی قاجار، آسیه خانم ازدواج می‌کرد و حاصل این ازدواج جانشین ولیعهد قاجار می‌شد. عباس میرزا حاصل این ازدواج بود؛ از پدری قوانلو و مادری دولو، اما سیاست آقامحمدخان آینده قاجارها را نیز پی‌ریزی کرده بود. او به فتحعلی‌شاه توصیه کرد: دختر میرزا محمد خان بیگلربیگی دولو را برای عباس میرزا که ولیعهد و از طرف مادر دولو بود، بگیرد تا پسری که از این ازدواج به وجود می‌آید و نامش محمد میرزا خواهد بود از دو طایفه قاجار نسب داشته باشد.

از طرفی، توصیه کرد فتحعلی‌شاه دختری از خود را به پسر سلیمان خان قوانلوی قاجار تزویج نماید و دختری که حاصل این ازدواج خواهد بود، زن آینده محمد میرزا پسر عباس میرزا خواهد بود و پسری که حاصل این ازدواج خواهد بود (ناصرالدین شاه) از دو طرف نبیره تو (فتحعلی شاه) خواهد بود و «آن وقت همه قوانلو همه قوانلو». چنان‌که گفته شد، این توصیه و طراحی خیال‌پردازانه و دوراندیشانه آقامحمد خان قاجار به مثابه یک دکتترین سیاسی سرنوشت آینده

قاجارها را رقم زد و بر همین اساس قوانلها توانستند سلطنت را در خانواده خود تداوم بخشند و از ستیزه‌های ایلی نیز جلوگیری کنند.

این سیاست و تدبیر آقامحمدخان در مشارکت دادن دولوها از طریق ازدواج باباخان با آسیه خانم دختر فتحعلی خان دولو و انتخاب حاصل از این ازدواج به ولیعهدی و جانشین آینده، از همان آغاز تاثیر خود را نشان داد و از اختلافات طایفه‌ای بین قوانلها و دولوها کاست و به تعبیر نادر میرزا «فتنه‌ها اندکی بخفت.»

تدبیر آقا محمد خان - چنان که اشاره شد - در کاهش و از بین بردن تدریجی اختلافات طایفه‌ای موثر افتاد، اما این اختلاف‌ها را به درون طایفه قوانلو کشانید. تا وقتی آقامحمدخان زنده بود و حتی تا سال‌های نخستین سلطنت فتحعلی شاه، گزارشی از اعتراض یا نارضایتی نسبت به انتخاب عباس میرزا در دست نیست، اما از سال ۱۳۱۴ ق؛ که فتحعلی‌شاه آشکارا ولیعهدی عباس میرزا را اعلام و او را به حکومت آذربایجان تعیین کرد اعتراض‌ها به تدریج شکل علنی به خود گرفت. تعارض درونی در میان شاهزادگان آشکار شد و رقابت‌های سیاسی در بین شاهزادگان و حتی حرم شاه به تدریج شدت یافت. نخستین و مهم‌ترین اعتراض‌ها از ناحیه برادران بزرگ‌تر عباس میرزا، به‌ویژه محمد علی میرزا دولت‌شاه و حسینعلی میرزا رخ داد. محمد علی میرزا که مادر او کنیزی گرجی بود، بزرگ‌ترین فرزند فتحعلی‌شاه و گویا شجاع‌ترین و مغرورترین آن‌ها به‌شمار می‌رفت.

گزارشگران خارجی بر خلاف منابع قاجاری که تمایل چندانی به طرح مخالفت محمدعلی میرزا با انتخاب عباس میرزا به ولیعهدی ندارند، اعتراض و حتی دشمنی محمد علی میرزا با ولیعهد را گزارش کرده‌اند.

از منابع ایرانی، رضاقلی میرزا پسر حسینعلی میرزا فرمانفرما، دیگر مخالف سرسخت عباس میرزا و پسرانش، صراحتاً به خصومت شدید محمدعلی میرزا با عباس میرزا اشاره دارد. محمد علی میرزا با وجود شایستگی‌های فراوانی که داشت و مورد علاقه و توجه شاه نیز بود، دو مانع بزرگ در رسیدن به ولیعهدی قاجارها داشت: اول وصیت سیاسی آقامحمدخان که عباس میرزا را به ولیعهدی آینده قاجارها تعیین کرده بود و بر همین اساس، مادر ولیعهد می‌بایست از قاجارها می‌بود، و دوم یک سنت قبیله‌ای ترکی که بر اصالت نسب مادری ولیعهد و جانشین

شاه تاکید می کرد. با وجود این، محمد علی میرزا به عنوان ارشد اولاد شاه بر حق خود پافشاری می کرد.

پافشاری او بر ولیعهدی و اعتراض به انتخاب عباس میرزا، می تواند نشانه‌ای از فقدان قانون ثابت، صریح و روشنی در انتخاب ولیعهد و جانشین شاه تلقی شود. هر چند قاجارها توصیه سیاسی آقامحمدخان و سنن قبیله‌ای قاجار را به عنوان یک قاعده و اصل مدنظر قرار دادند، در دوره صفویه برای جانشینی چنین اصل و قاعده‌ای نبود و حتی در بین سلاطین عثمانی نیز فرزند ارشد پسر جانشین پدر تلقی می شد. محمد علی میرزا تا پایان زندگی خود رقابت و دشمنی خود با عباس میرزا را نشان می داد و در عرصه‌هایی، چون جنگ‌های ایران و روس، در تشکیل دستگاه عریض و طویل و ایجاد سپاه به سبک نظام جدید، این رقابت، دشمنی و چشم و هم‌چشمی نمود می یافت.

دشمنی و مخالفت با عباس میرزا و جایگاه برجسته او به عنوان فرد دوم در ساختار اداری و سیاسی قاجارها فقط به شاهزادگان مدعی محدود نشد، بلکه به حرم و اندرون شاهی نیز کشیده شد. به گزارش عضدالدوله، پسر فتحعلی شاه، در مراسم سلام رسمی که تا سال دهم سلطنت فتحعلی شاه هر سال برگزار می شد، آسیه خانم دختر فتحعلی خان دولوی قاجار و مادر عباس میرزا در ابتدا و سرصف زنان حرم جای می گرفت و از احترام ویژه‌ای نزد شاه برخوردار بود.

همین مساله اعتراض برخی زنان حرم را که تبار قوانلو داشتند، برانگیخت، به‌ویژه بدرالنساخانم، دختر مصطفی خان قوانلوی قاجار به هیچ‌وجه حاضر نبود برتری آسیه خانم را بپذیرد و زیردست یک دولو قرار بگیرد و نهایتاً از شاه طلاق گرفت. عباس میرزا جایگاه برجسته و ممتازی در دستگاه سیاسی و اداری قاجار داشت. استقرار در آذربایجان و فرماندهی ارتش ایران در جنگ با روس‌ها موقعیت برجسته‌ای به عباس میرزا در سیاست خارجی ایران داد؛ به‌گونه‌ای که هدایت سیاست خارجی ایران در دوره فتحعلی شاه به عباس میرزا سپرده شد و سفرای خارجی نیز عمدتاً در تبریز استقرار داشتند. فتحعلی شاه با آنکه همواره نگران اختلاف بین فرزندان خود بود، از عباس میرزا حمایت می کرد.

عباس میرزا با وجود پشتیبانی شاه و جایگاه برجسته و ممتاز خود و با وجود اصول و قواعدی که در حمایت از تداوم سلطنت در خاندان او طراحی شده بود، باز از رقابت و دشمنی و خصومت



برادران خود بیمناک بود. همین نگرانی از سرنوشت سلطنت آینده ایران سبب شد او در داخل و حتی سیاست خارجی دست به اقداماتی برای تحکیم سلطنت در خانواده خود بزند.

یکی از مطمئن‌ترین راه‌ها این بود که دول اروپایی، از جمله روس و انگلیس را وادار به شناسایی حق ولیعهدی خود بکند. نخستین این تلاش‌ها در عهدنامه گلستان چهره بست. او در جریان گفتگوهای صلح منجر به انعقاد عهدنامه گلستان درصدد برآمد از روس‌ها بخواهد که استمرار ولیعهدی و جانشینی او را با گنجاندن بندی در مذاکرات گلستان به رسمیت شناخته، از او حمایت کنند، اما ظاهراً تلاش‌های او از سوی شاه به جهت اینکه نمی‌خواست اعتراض و دشمنی فرزندان دیگر را برانگیزد، مورد موافقت قرار نگرفت.

فقط در ماده چهاردهم عهدنامه گلستان روس‌ها تعهد کردند که از جانشین برگزیده شاه حمایت کنند و در امور داخلی ایران و نزاع بین شاهزادگان دخالتی نکنند، مگر اینکه پادشاه ایران از روس‌ها چنین درخواستی بکند. قبل از عهدنامه گلستان، در عهدنامه‌ای که در سال ۱۲۲۷ ق بین ایران و انگلستان منعقد شد در فصل یازدهم ولیعهدی عباس میرزا بدون اینکه نامی از او برده شود، از سوی انگلستان به رسمیت شناخته شد و انگلیسی‌ها تعهد کردند هرگاه نیاز باشد، از مساعدت به ولیعهد کوتاهی نکنند. در فصل دوازدهم نیز انگلیس تعهد کرد در مناقشه بین شاهزادگان قاجار دخالتی نکنند، مادامی که قاجار درخواست مساعدت کند.

این عهدنامه را عباس میرزا با ذکر عنوان نیابت سلطنت ضمانت کرد. گنجاندن این موارد در این عهدنامه‌ها بر تلاش‌های عباس میرزا در همراه ساختن دول خارجی با ولیعهدی خود و نیز بیم و هراس از شاهزادگان مدعی و اختلافات شدید بین آن‌ها دلالت دارد، اما نکته مهم چرخش سیاست انگلستان در ارتباط با مساله ولیعهدی عباس میرزا است. در سال ۱۲۲۹ ق هنری الیس برای تغییر دو فصل از عهدنامه ۱۲۲۷ ق به ایران آمد که یکی از فصل‌ها مربوط به ولیعهدی عباس میرزا یا همان فصل یازدهم عهدنامه مذکور بود. دلیل چرخش سیاست انگلستان در حمایت از عباس میرزا ظاهراً این بود که در عهدنامه گلستان در ماده چهارم روس‌ها متعهد به پشتیبانی از عباس میرزا شده بودند و این خوشایند انگلیسی‌ها نبود، زیرا در فصل ۱۱ عهدنامه ۱۲۲۷ ق دو طرف متعهد شده بودند که ولیعهد دولت با دولت دیگری دوستی نداشته باشد. معلوم است که منظور از دولت دیگر و ثالث روسیه است. به همین دلیل، انگلیسی‌ها در عهدنامه ۱۲۲۹ فصل یازدهم را حذف کردند و فقط در فصل دوم عهدنامه مذکور تعهد کردند که در



اختلاف بین شاهزادگان قاجار دخالتی نکنند، مگر اینکه پادشاه ایران از آن‌ها چنین درخواستی بکند.

عباس میرزا در سال ۱۸۱۸. م/ ۱۲۳۴. ق نماینده‌ای به دربار تزار روسیه فرستاد و از تزار خواست تا صراحتاً ولیعهدی او را به رسمیت بشناسد، اما فرمانده قوای روس در قفقاز مانع این کار شد و البته تزار وقتی به او نکرد. مخالفت یورومولوف، فرمانده قوای روس سبب تمجید محمدعلی میرزا از او شد.

عباس میرزا علاوه بر این تلاش‌ها در جهت به‌دست آوردن پشتیبانی دولت‌های روسیه و انگلستان با آگاهی از توطئه‌ها و مخالفت‌های برادران مدعی خود که گاهی در شاه نیز اثرگذار بود، برای خنثی کردن مخالفت‌ها و توطئه‌های برادران خود و جلوگیری از نفوذ آنان در دربار و شخص شاه، در سال ۱۲۳۰. ق فرمان حکومت تهران را برای برادر اعیانی و تنی خویش ظل‌السلطان از شاه گرفت.

حوادث و رویدادهای بعدی نشان داد که مساله جانشینی در ساختار دولت قاجار یک مشکل اساسی و جدی است، با آنکه محمدعلی میرزا مخالف اصلی و معترض جدی ولیعهدی عباس میرزا در سال ۱۲۳۷. ق درگذشت، اما نگرانی‌های شاه و عباس میرزا همچنان ادامه داشت. شکست عباس میرزا در جنگ‌های ایران با روس موقعیت او را تا حدودی متزلزل کرد و شاهزادگانی که به عمد او را در جنگ‌های ایران با روس یاری نکردند، در صدد بهره‌برداری از این شکست‌ها برآمدند. در تهران شایع شد که حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه پسر پنجم شاه و برادر تنی و اعیانی حسینعلی میرزا که هر دو از مخالفان سرسخت عباس میرزا بودند، به دلیل شکست عباس میرزا از روس‌ها، به ولیعهدی و نیابت سلطنت انتخاب شده است.

این شایعه دقیقاً در آستانه مذاکرات صلح ایران و روسیه قبل از انعقاد عهدنامه ترکمانچای در تهران مطرح شد. این تحرکات و شایعه‌ها نگرانی عباس میرزا را بیش از پیش کرد و پیامد این نگرانی و شایعات تلاش‌های جدیدی بود که در عهدنامه ترکمانچای خود را نشان داد. اگر در عهدنامه‌های قبلی ایران با انگلستان و روس صراحتی در حمایت از ولیعهدی عباس میرزا نبود، در ماده هفتم عهدنامه ترکمانچای روس‌ها صراحتاً بر حمایت از ولیعهدی عباس میرزا و پادشاهی موروثی در خانواده او تاکید کردند. این تلاش‌های داخلی و به‌دست آوردن پشتیبانی

خارجی نشان داد که با وجود درگذشت محمدعلی میرزا، هنوز مساله جانشینی به عنوان یک دغدغه اصلی عباس میرزا مطرح بود.

از مقاله‌ای به قلم دکتر عباس قدیمی قیداری

منبع: دنیای اقتصاد